

«اخت‌الرضا» ۲ میلیاردی شد

در ادامه اکران‌های سیار و سینمایی «اخت‌الرضا»، مجموع فروش این فیلم دو میلیاردی شد. فیلم سینمایی اخت‌الرضا به کارگردانی سیدمجتبی طباطبایی که توسط سازمان سینمایی سوره تولید شده، علاوه بر فروش در سالن‌های سینمایی به‌صورت اکران سیار در معرض مخاطبان قرار گرفته و فروش آن درمجموع در سینما و اکران سیار تاکنون از دو میلیارد تومان عبور کرده‌است. از این عدد، بالغ بر ۶۶۴ میلیون تومان

مجموع با لیلی عاج، نویسنده و کارگردان فیلم «سرهنگ ثریا»

دارم «سرهنگ ثریا»

بانی اکران شود



۱. احيانا خبری از فرزندان شده است؟

متأسفانه هنوز نه و همچنان چشم انتظار است.

۲. الان اگر بخواهید به عقب و زمان ساخت فیلم و نوشتن فیلمنامه سرهنگ ثریا برگردید، چه تغییراتی را اعمال می‌کنید؟

یک بار جمله‌ای با این مضمون خواندم که «همه جذابیت ۲۰ سالگی این است که یک روز بروی در ۴۰ سالگی بچرخي و دوباره برگردی و با انرژی ۲۰ سالگی زندگی کنی». به نظرم این خیلی ایده آل است. الان هم جذابیتش این است که با همین تجربیات ساخت فیلم و روزهای اکران به عقب برگردم تا سرهنگ ثریا را دوباره بسازم. چنین امکانی وجود ندارد ولی اگر شدنی بود، به عنوان یک فیلمساز فیلم اول، قطعا تغییرات زیادی در فیلم اعمال می‌کردم. مشخصا هم درباره روایت، تغییراتی می‌دادم و سعی می‌کردم روایت سراسر است‌تر و کم لکت‌تری داشته باشم و حتما روی پیرنگ‌های فرعی بیشتر کار می‌کردم اما قطعا با هم فیلم را با همین بازیگران خواهم ساخت که بسیار درخشان بودند. با این‌که آدم در فیلم اول، دورنمای ذهنی از کل ماجرا دارد ولی هیچ چیز مثل تجربه پس از اکران به آدم نمی‌گوید که باید برای فیلم بعدی چه کند.

۳. چون خودم جزو علاقه‌مندان نمایش «بابادُم» بودم، معتقدم اثر اثر نمایشی موفق‌تر از نسخه سینمایی‌اش، سرهنگ ثریاست.

سرهنگ ثریا خیلی از نمایش بابادُم متفاوت است. این تفاوت در قصه، آدم‌ها، حال و هوا و ماجرا وجود دارد. جالب این است اتفاقا وقتی بابادُم را کار می‌کردم، خیلی از طرف جامعه روشنفکری تئاتری مورد نقد بودم. همان کسانی که نمایش‌هایی با موضوعات کاریگری و اجتماعی مرا دوست داشتند، یکباره منتقد من شدند و گفتند چرا این سوز؟ همه می‌پرسیدند از کجاسفارش گرفتی؟ موقع یکی از اجراهای بابادُم، منتقدی که قبلا نمایش‌های من مثل «کمیت‌ه نان» و «قندخون» را ستایش می‌کرد، با عصبانیت از سالن

مربوط به فروش از طریق اکران‌های سیار بوده که به همت مؤسسه‌های بهمن سبز، راوینو، عمار و انجمن سینمای جوان انجام شده‌است. در ایام سوگواری فاطمیه(س) شرایط تخفیف برای اکران سیار فیلم سینمایی اخت‌الرضا فراهم شده‌است و متقاضیان می‌توانند برای هماهنگی اکران سیار فیلم سینمایی اخت‌الرضا به سایت esyiar.ir مراجعه کنند یا با شماره ۰۲۴۱۳۰۰۸۰ تماس بگیرند. فیلم اخت‌الرضا که سفر بانوی کرامت و ایسته به بنیاد مستضعفان در ساخت آن مشارکت داشته‌اند.



بیرون آمد و گفت الان مشکل ما این است؟ الان شما باید درباره معضل آب اصفهان نمایشنامه بنویسی و اجرا کنی.

۴. منظورم نقد مضمونی به سرهنگ ثریا نیست، بلکه ساختاری است. الان با این مسیر فیلم، می‌احتی مثل تک لوکیشن بودن و خرده داستان‌های نه‌چندان مهم و جذاب بیشتر خودش را نشان می‌دهد، چیزهایی که در نمایش بابادُم درست و به اندازه و در جای خودشان بودند.

درباره خرده داستان‌ها و پیرنگ‌های فرعی خیلی با شما موافقم. انتخاب کرده بودم که زبان فیلم دانای کل نباشد بلکه اول شخص باشد و دوربین فقط هرجا که ثریا هست، حضور داشته باشد. این روند به من یک انسجام ذهنی در دکوپاژ، میزانشن و حتی در «کمرا باکس» می‌داد، وقتی با آقای علیرضا برانزده (مدیر فیلمبرداری) گفت‌وگو می‌کردم. این انسجام درعین حال محدودیت‌هایی را هم ایجاد می‌کرد. رفع و مدیریت این محدودیت‌ها نیاز به تجربه و خلاقیت بیشتر داشت. بنابراین اگر یک بار دیگر می‌توانستم به عقب برگردم، فقط روی فیلمنامه سرهنگ ثریا کار بیشتری می‌کردم. به‌نظرم عملکردم درباره دکوپاژ، فضاسازی و تداعی استان دیاله عراق در یک لوکیشن محدود درست بود و از میزانشن‌ها و بازی‌ها هم راضی هستم.

۵. قبل از دیدن فیلم با خواندن موضوع و خلاصه‌نامه قصه، این نگرانی وجود داشت که سرهنگ ثریا با سرفصل مشترک منافقین، فیلمی شبیه ماجرای نیمروز، رد خون، امکان مینا و... شود اما در عمل این اتفاق نیفتاد و حتی فیلم این امتیاز را دارد که از زاویه جدیدی به این سازمان نزدیک شده است.

به هرحال سازمان مخوفی است و همیشه هم گفته‌ام عمر آن حتی از جمهوری اسلامی هم بیشتر است و از سال ۴۴ تا الان این سازمان کلی داستان و ماجرا برای روایت دارد. مطمئناً کلی زوایای مغفول درباره منافقین وجود دارد. یک فرقه مخوف و منحوس با پیچیدگی‌های ایدئولوژیکی قطعا ظرفیت زیادی برای داستان‌گویی دارد و هربار می‌شود از زاویه جدیدی به آن ورود کرد تا برای مخاطبان هم جذاب باشد.

۶. واکنش منافقین به سرهنگ ثریا چه بود؟

می‌دانم شبکه «سیمای آزادی» همزمان با نمایش فیلم در جشنواره فجر، برنامه مفصلی را به سرهنگ ثریا اختصاص داد و در آن از عبارت «ملیجک خمینی» برایم استفاده کرد.

۷. فیلم را که آن موقع ندیده بودند.

گزارش‌ها و اخبار فیلم در جشنواره به‌ویژه با حضور مادران برخی اعضای فریب‌خورده سازمان و افشاگری آنها، باعث انتشار مطالبی در نشریه منافقین و تولید و پخش چنین برنامه‌ای از شبکه تلویزیونی منافقین شد.

۸. بعد از اکران آنلاین، آنها امکان تماشای فیلم را در فضای مجازی خواهند داشت.

بله، ضمن این‌که ما در آلبانی انجمنی به نام انجمن نجات (آسیلا) داریم که توسط تعدادی از اعضای تشکیل شده که در آن کشور از سازمان منافقین جدا شدند. آنها به اعضای انجمن نجات تهران درخواست دادند تا فیلم سرهنگ ثریا به زبان آلبانیایی زیرنویس شود و در آلبانی به نمایش درآید. خودم خیلی دوست دارم و قسمت هیجان انگیز ماجرا این است که سرهنگ ثریا در آلبانی و بیخ گوش پادگان اشرف ۱۳ اکران شود، چون به هیچ ایرانی ویرا داده نمی‌شود که برای دیدن فرزندش به آلبانی برود.

برش

هشدار سرهنگ ثریا

۱. سرهنگ ثریا با وجود این‌که نمایش تمام‌عیار مهر مادری و در نگاهی کلی‌تر درباره عقوق خانوادگی است درعین حال هشدار جدی درباره تبعات و خطرات ایدئولوژی و ذهن‌های بسته می‌دهد. فقط هم بحث منافقین نیست و باتوجه به انواع فرقه‌ها که ذهن جوانان را شست‌وشو می‌دهند، با موضوعی جهانشمول طریقی. به‌ویژه در این سال‌ها که شکاف جوانان با خانواده و نسل گذشته بیشتر شده، طعنه‌های این گروه‌ها و فرقه‌ها هم آسان‌تر و در دسترس‌تر شده‌است و ساخت و نمایش فیلم‌هایی مثل سرهنگ ثریا، می‌تواند مؤثر و آگاهی‌بخش باشد.

امیدوارم این‌طور باشد. منافقین در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به شکل مستقیم، نیرو جذب می‌کردند و هرنیزویی فقط دو، سه نفر را در سازمان می‌شناخت اما در این سال‌ها در عصر اینترنت و انفجار اطلاعات، جذب سازمان هم متفاوت شده که به جذب سفید مشهور است. آنها ترجیح می‌دهند نیروهای جوانی در خارج از محل پادگان اشرف داشته باشند اما در عمل چندان این اتفاق نیفتاده و بیشتر نیروهای این سازمان مردان و زنانی پایه‌بن گذاشته هستند. شیوه‌های جذب این سازمان و فرقه‌های دیگر این قدر مخوف است که نه فقط سرهنگ ثریا بلکه هر فیلمی در این زمینه هشدار بدهد، درباره آن صدق می‌کند.

قاب

جنگل پرتقال در فرهنگسرای ارسباران

فیلم سینمایی «جنگل پرتقال» امروز (۱۹ آذر) ساعت ۱۸ در سالن آمفی‌تئاتر فرهنگسرای ارسباران اکران و پس از آن با حضور آرماتر خوانساریان نویسنده و کارگردان، میرسعید مولویان بازیگر، سعید قطبی‌زاده منتقد مهمان، کوروش جاهد کارشناس مجری و جمعی دیگر از عوامل فیلم نقد و بررسی می‌شود. علاقه‌مندان برای حضور در پانصد و نود و نهمین نشست باشگاه فیلم تهران می‌توانند به فرهنگسرای ارسباران واقع در خیابان شریعتی بالاتر از بل بیخ‌خندان، خیابان جلفا مراجعه کنند یا با شماره‌های ۲۰- ۲۲۸۷۲۸۱۸ تماس بگیرند. همچنین برای رزرو صندلی نیز می‌توانند به سایت ایران‌تیک مراجعه کنند.

گپ‌گفت

گفت‌وگو با مجید پتکی، بازیگر سرهنگ ثریا

نقشی که نباید لو می‌رفت

مجید پتکی از جمله بازیگرانی است که پله‌پله و با طی مراحل درست به سطح اول سینما و تلویزیون رسید. از میانه‌های دهه ۷۰ کار تئاتر می‌کرد و بعد هم به واسطه دوستی با زنده‌یاد فرهاد پاک‌سرشت (نویسنده و کارگردان تئاتر و تلویزیون) راهی شبکه استانی گیلان(باران) شد و بعدتر به‌تدریج در تولیدات شبکه‌های سراسری خودی نشان داد. او با تکیه بر چهره و صدای پرزرا و رمزش، قابلیت ایفای طیف متفاوتی از نقش‌ها را دارد و خوشبختانه در این چند سال اخیر، به‌خوبی از این ویژگی او در نقش‌های مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر استفاده می‌شود که یکی از نمونه‌های اخیرش بازی در نقش مریم‌ز ناصروغن‌گیر در سرهنگ ثریا است.

۱. ابتدا به‌عنوان یک هنرمند موفق شهرستانی که حالا در کارهای مرکز حضور دارید، چه حرفی برای هنرمندان جوانی دارید که در شهرستان‌ها کار می‌کنند و شاید امید چندانی به آینده و موفقیت نداشته باشند.

ماحصل ۲۰ سال فعالیت هنری را در چند جمله خطاب به این دسته از هنرمندان می‌گویم؛ این‌که سینمای ایران، سینمای همه کشور ایران و تلویزیون ملی، تلویزیون یک ملت است، بنابراین در جذب نیروهایش هم همین‌طور است، چه نیروهای جلوی دوربین چه پشت دوربین. ما در تلویزیون و سینما بندرت هنرمندان غیرشهرستانی می‌بینیم. فصل مشترک همه این گروه از هنرمندان این است که سختی قدم گذاشتن در این مسیر را تحمل کردند. اگر هدف رسیدن به جایگاهی است که مدت‌ها منتظرش بودید، باید تلاش و پاور کنید هنرمندان فعال در سینما و تلویزیون، برگزیده‌های استان‌های مختلف کشور هستند. همچنین به افزایش مدام مهارت و قدرت، قایت برآوردی راضی‌ن رسیدن به موفقیت فکر کنید.

۲. صدا و چهره‌تان ویژگی‌های قابل اشاره‌ای دارد و در یاد مخاطب می‌ماند. ترکیب چشم‌های سبز و صدای گرم و طمانینه در بازی، یک جور رمز و راز و چه بسا رمزوبودن در خود دارد که حدس زدن کاراکتر را برای مخاطب سخت می‌کند. یکی از متاخرترین این نمونه‌ها همین نقش مریم‌ز وند فقرمان در «سرهنگ ثریا» است. توضیحی درباره این ویژگی تیپیکال و ریختاری می‌دهید و این‌که در سرهنگ ثریا برای همراهی مخاطب و غافلگیری او در اواخر فیلم باتکیه بر این خصوصیت چه کردید؟

البته شما درباره صدا و چهره من لطف دارید اما اگر این‌طور است خدا را شاکرم. البته اگر هم این‌طور نبود، باز هم خدا را مثل همیشه شاکر بودم، معتقدم به تعداد آدم‌های اطرافم نقش‌ها فراوان است. اصولاً آدم‌های مجهول را به راحتی نمی‌شود به باطن‌شان پی برد، اینها برلیم جذب هستند. شاید به همین دلیل ناخودآگاه من هم، طالب پذیرش چنین نقش‌هایی است و این ویژگی به قول شما در چهره، نگاه و صدایم دیده می‌شود. شاید باز به همین خاطر باشد که کارگردان‌ها نقش‌هایی پر رمز و راز را برای بازی به من پیشنهاد می‌دهند، احتمالا یکی از دلایل خانم عاج برای بازی در سرهنگ ثریا و چنین نقشی هم از همین ویژگی ناشی می‌شود. از آنجایی که نباید نقش ناصر و یغنیگر لومی‌رفت، باید کاملاً به شکل مریم‌زی خشتی می‌بودم تا مخاطب را تا لحظه افشای نقش در روضعتی نامشخص بین نقش مثبت و منفی نگه دارم. از آنجایی که همیشه شنونده خوبی برای کارگردان‌ها هستم، به‌خواسته‌های خانم عاج توجه کردم. امیدوارم هم ایشان هم تماشاگران محترم از ایفای این نقش راضی باشند.

۳. همکاری با لیلی عاج چطور بود؟

همیشه صددرصد توان خودم را برای کارگردان‌ها می‌گذارم، مخصوصاً کسانی مثل خانم عاج که از تئاتر به سینما می‌آیند. ایشان سال‌ها کارگردانی تئاتر کردند و در این زمینه بسیار موفق بودند. درک متقابل و تعامل خوبی در سرهنگ ثریا با خانم عاج داشتم و پیشنهادهایی برای نقش می‌دادم که ایشان بخشی را می‌پذیرفت و در مواردی هم نظر خودشان را داشت که درنهایت این تصمیمات منجر به اتفاقات خوبی برای فیلم شد.

۴. مهم‌ترین ویژگی فیلم سرهنگ ثریا را چه می‌دانید؟

این فیلم بیامی به جوان‌هاست تا به افکار پیرامون‌شان دقت و توجه کنند و شیفته فکر و عقیده‌ای نشوند که می‌خواهد انسانیت و اصول زندگی شخصی‌شان را پایمال کند. انسان برای این آفریده شده که درست زندگی و فکر کند، نه این‌که از مسیر اصلی زندگی خارج شود. نسل جدید ماکه چیزی درباره سازمان منافقین نمی‌داند، با دیدن این فیلم کمی روشن می‌شود که این گروه‌ها چه بر سر افکار جوانان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ آورد.



«چمدان» برنده جایزه جشنواره دریای سرخ

فیلم کوتاه «چمدان» به نویسندگی و کارگردانی آگونزدکیمی وسامان حسین‌پور و تهیه‌کنندگی فریبا عرب، موفق به کسب جایزه یسر نقره‌ای (Silver Yusr) بهترین فیلم کوتاه به همراه جایزه نقدی ۱۲ هزار و ۵۰۰ دلار از سومین دوره جشنواره دریای سرخ عربستان شد. جشنواره بین‌المللی دریای سرخ REDSEA جشنواره بهترین‌های سینمای عرب و جهان را به جده، واقع در ساحل شرقی دریای سرخ آورده است. ۱۹ فیلم با موضوعات مختلف در این دوره جشنواره، منتخب حضور و رقابت شده‌بودند. سومین دوره جشنواره فیلم دریای سرخ، امسال از ۲۰ نوامبر تا ۹ دسامبر ۲۰۲۳ (۹ تا ۱۸ آذر ۱۴۰۲) در شهر جده عربستان برگزار شد. فیلم کوتاه چمدان پیش از این جشنواره، موفق به کسب دو جایزه از بیست و دومین دوره جشنواره دانشجویی بیجینگ چین، جایزه یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم و موسیقی پارما، جایزه ویژه هیأت داوران و جایزه دستاورد بصری (تصویربرداری) نهمین دوره جشنواره نومود قرقریزستان و... شده‌است.



رقابت «ایساتیس» در ۳ جشنواره جهانی

فیلم مستند «ایساتیس» به کارگردانی علیرضا دهقان در ادامه حضور جهانی خود، به جشنواره فیلم و هنر فلوریدا، جشنواره بین‌المللی فیلم باستان‌شناسی، هنر و محیط‌زیست فلورانس و جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ازمیر راه یافت. مستند ایساتیس، بیشتر جایزه بخش اکولوژی نهمین جشنواره سبز مونته‌نگرو، جایزه بهترین فیلم هفتمین جشنواره جهانی فیلم اوشن سیتی آمریکا، جایزه ویژه دبیر چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت»، نامزدی سیمرخ بهترین فیلم مستند سی و نهمین جشنواره فیلم فجر، نامزدی بهترین فیلم تنبک سی و هشتمین جشنواره جهانی فجر، تندیس سمین بهترین مستند از جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، جایزه بهترین فیلم بخش بین‌الملل هشتمین جشنواره بین‌المللی جشنواره شهر، نامزدی بهترین فیلم و بهترین صداگذاری از جشن مستند سینمای ایران، برگزیده بهترین فیلمبرداری و بهترین موسیقی از جشن مستند سینمای ایران را کسب کرده‌است. در خلاصه داستان این فیلم مستند آمده‌است: «این داستان سفر است. سفری به دارای هزاران سال در دل کویر بی آب و علف، در مرکز این سرزمین کهن. روایتی که راویانش آب، باد، خاک و آتش هستند؛ این آشنایان ناآشنا.

